شهادت آتش‌نشان فداکار در عملیات سیلوی گچ

ریزش سیلوی مواد اولیه گچ در کارخانه گچ رامهرمز منجر به مرگ یک کارگر و شهادت یک آتش‌نشان شد.
دکتر محمدامین زرگر، رئیس اورژانس اهواز به ایرنا گفت: ساعت ۱۶ و ۴۰ دقیقه شنبه یازدهم آبان امسال، ریزش سیلوی مواد اولیه گچ در کارخانه گچ رامهرمز به اورژانس گزارش شد. امدادگران اورژانس برای نجات آنها در محل حاضر شدند که معلوم شد یک کارگر و یک آتش‌نشان هنگام عملیات نجات مصدوم شده‌اند که هر دو به بیمارستان مادر رامهرمز منتقل شدند اما به دلیل شدت مصدومیت صفدر ترکی ۳۲ ساله از کارکنان شرکت گچ و صادق ایزدپناه ۳۵ ساله از آتش‌نشانان رامهرمز فوت کردند. یک نفر هم در این حادثه مصدوم شد که در بیمارستان گلستان اهواز بستری است. تحقیقات اولیه پلیس درباره این حادثه نشان می‌داد دو کارگر کارخانه در سالن شماره دو این شرکت هنگام کار با دستگاه نوار بودند (خرد کردن سنگ‌های استخراج شده) که آوار بر سرشان ریخته است.

تیراندازی مرگبار به مادر و دختر

زن میانسال و دخترجوانش در خانه‌شان در یکی از محله‌های شهرستان ساوه هدف شلیک‌های مرگبار قرارگرفتند. در این تیراندازی دختر ۲۲ ساله خانواده به قتل رسید و مادرش در بیمارستان بستری شد.
به گزارش جام جم، ساعت ۱۶ یکشنبه صدای شلیک گلوله از خانه‌ای سکوت محله‌ای در ساوه را شکست. همسایه‌ها و مغازه‌داران هراسان از خانه و مغازه‌هایشان بیرون آمدند. آنها زمانی که ردصدا را گرفتند متوجه شدند در خانه یکی از همسایه‌ها نیمه باز است. چند نفر از همسایه‌ها وارد خانه شدند.
چندبار صاحبخانه را صدا زدند که ناگهان صدای ناله‌های خفیفی را شنیدند. رد صدا را که گرفتند متوجه شدند صدای ناله‌ها از یکی از اتاق‌هاست. همسایه‌ها وارد اتاق که شدند زن میانسال همسایه ودختر ۲۲ ساله او را که با شلیک گلوله زخمی شده بودند، یافتند. در همین موقع یکی ازهمسایه‌ها با اورژانس تماس گرفت و امدادگران به این خانه آمدند.
بعد از اقدامات درمانی اولیه، آن دو را به بیمارستان منتقل کردند اما ساعاتی بعد با توجه به تلاش پزشکان دختر جوان به‌دلیل شدت خونریزی تسلیم مرگ شد، اما مادر زخمی او همچنان بستری است و پزشکان در تلاش برای نجات او هستند.
براساس اعلام مرکز اطلاع رسانی پلیس استان مرکزی، ماموران پلیس آگاهی در محل تیراندازی حاضر شده و تحقیقات برای شناسایی و دستگیری عامل یا عاملان این تیراندازی مرگبار ادامه دارد. هنوز انگیزه این تیراندازی مرگبار مشخص نشده اما شواهد نشان می‌دهد انگیزه قاتلان سرقت نبوده است.

سارق به سرقت ۵ میلیارد تومانی از خانه‌ها اعتراف کرد

دستبرد دزد پورشه‌سوار به خانه‌های اعیانی

محمدغمخوار
حوادث

دزد حرفه‌ای، خانه که با پورشه در محله‌های مرفه‌نشین سرقت می‌کرد، پس از دستگیری به‌دزدی پنج میلیاردی اعتراف کرد. تحقیقات برای دستگیری دو همدست فراری‌اش ادامه دارد.
سرهنگ محمد نادربیگی، رئیس پلیس آگاهی استان البرز در تشریح این پرونده به خبرنگار جام‌جم گفت: از چندی قبل کارآگاهان مبارزه با سرقت خانه در جریان سرقت‌های مشابهی در سطح استان البرز قرار گرفتند. بررسی محل‌های سرقت نشان داد، سارقان به شیوه‌ای مشابه با تخریب در آپارتمان‌ها در محله‌های شمالی شهر به سرقت پول و طلا اقدام کرده‌اند.
با بررسی دوربین‌های مداربسته محل‌های سرقت، سرنخ‌هایی از سه سارق حرفه‌ای به‌دست آمد و شناسایی مخفیگاه آنان در دستور کار قرار گرفت. دزدان برای این‌که ردی از خود بر جای نگذارند از پلاک‌های جعلی استفاده می‌کردند. تجسس‌ها در این باره ادامه داشت تا این‌که تیراندازی در خانه به کارآگاهان گزارش شد. با بررسی ماجرا مشخص شد، دزدان خانه وقتی با همسایه‌ها روبه‌رو شدند برای فرار از محل اقدام به تیراندازی کرده‌اند.

وی ادامه داد: چند روز بعد هم هنگامی که سارقان در حال سرقت از خانه‌ای بودند، مدیر ساختمان متوجه شده و با قفل کردن در خانه با پلیس تماس می‌گیرد. سارقان که متوجه حضور ماموران در مقابل خانه شده بودند اقدام به درگیری مسلحانه کرده و با شلیک ۳۰ گلوله از محل گریختند. سرانجام مخفیگاه سرکرده باند در منطقه سرآسیاب ملارد شناسایی شد و وقتی سارق حرفه‌ای خود را در محاصره ماموران دید، شروع به تیراندازی کرد. در این درگیری کارآگاهان پلیس آگاهی متهم را خلع سلاح و دستگیرش کردند. ماموران از مخفیگاه متهم یک قبضه سلاح کمری، تعدادی فشنگ، دیلم، دستگاه فرز، دستگاه طلایاب، دستکش و نقاب کشف شد. نادربیگی با اشاره به کشف خودروهای گرانقیمت مانند اوپتیما،آزرا و پورشه در پارکینگ خانه متهم گفت: متهم سال ۹۴ از زندان آزاد شده و دوباره سرقت‌های خانه را آغاز کرده و در این مدت همراه دو همدستش در مناطق مختلف مرفه‌نشین استان البرز، غرب استان تهران، شهر تهران و برخی استان‌های کشور اقدام به سرقت کرده و تحت تعقیب قضایی هستند.
وی افزود: متهم تاکنون به ۱۳ فقره سرقت، به ارزش بیش از پنج میلیارد تومان اعتراف و تحقیقات پلیس برای سایر سرقت‌های احتمالی همچنان ادامه دارد. تحقیقات برای شناسایی و دستگیری دو همدست متهم ادامه دارد.

دستبرد مرد میوه فروش به حساب ۱۰۰ مشتری بانک

سفر خانوادگی به ترکیه بعد از سرقت یک میلیاردی

مسافرترکیه پس از خالی کردن حساب‌های بانکی صد مشتری بانک به ترکیه سفر کرد، اما پس از بازگشت به کشور دستگیر شد.
به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از چندی قبل و با شکایت افرادی که حساب‌های بانکی‌شان خالی شده بود در دستور کار پلیس فتای استان البرز قرار گرفت. تحقیقات از شاکیان نشان داد، کارت عابربانک آنها در اختیار خودشان بوده و از حسابشان برداشت شده است. پس از این شکایت‌ها، بررسی موضوع در دستور کار کارشناسان اداره مقابله با جرایم و عملیات پلیس فتا قرار گرفت. در بررسی‌های اولیه مشخص شد برداشت به‌صورت اینترنتی نبوده و از طریق دستگاه‌های کارت‌خوان و عابربانک از حساب مالباختگان خالی شد که اطمینان ماموران به کپی اطلاعات کارت بانکی مالباختگان از طریق اسکیمر به یقین تبدیل شد. بررسی‌های تخصصی روی پرونده مشخص کرد، متهم پس از سرقت و کپی کارت بانکی بیش ۳۵۰ نفر از شهروندان با دو دستگاه کارت‌خوان سرقتی که متعلق به میوه‌فروشی سیار بوده به مشاهده موجودی کارت اقدام کرده و در صورت وجود موجودی با خرید طلا و دخانیات، موجودی کارت را خالی کرده‌اند.
سارق حساب‌های بانکی برای این‌که ردی از خود باقی نگذارد، با یک وانت در محله‌های مختلف بساط می‌کرد و خریداران بدون توجه به دستگاه اسکیمر، کارت را به او داده و رمزشان را اعلام می‌کردند. ماموران با شناسایی هویت سارق، راهی خانه‌اش شدند، ولی او همراه خانواده‌اش به ترکیه گریخته بود. ماموران با زیر نظر گرفتن دو ماهه متهم و خانواده‌اش متوجه بازگشت او به کشور شدند که بلافاصله وی را در یک عملیات غافلگیرانه دستگیر و به پلیس فتا منتقل کردند. در بازرسی از مخفیگاه این متهم تعداد زیادی کارت خام بانکی، دستگاه اسکیمر و سایر لوازم ملزوم برای کلاهبرداری اسکیمری کشف شد.
سرهنگ اقبالی، رئیس پلیس فتای استان البرز با اشاره به این خبر گفت: متهم در مواجهه با مدارک و مستندات دقیق ماموران به کپی کردن از کارت ۳۵۰ نفر از شهروندان اعتراف کرد که تاکنون به برداشت غیرمجاز از کارت بانکی صد نفر از آنها به ارزش یک میلیارد تومان اقرار کرده است. تحقیقات روی این پرونده ادامه دارد و تاکنون هشت نفر از مالباختگان شناسایی شده‌اند.

مرد میوه فروش بعد از سرقت یک میلیاردی از حساب مشتریان بانک، همراه خانواده‌اش به ترکیه سفر کرد

اعتراف دروغین به قتل پدر برای انتقام از خواهر

معصومه‌ملکی
حوادث

پسر جوان زمانی که نتوانست سیمکارت رند و گوشی تلفن همراهش را از خواهر پرستارش بگیرد دست به انتقامگیری عجیبی زد. او به دروغ مدعی شد با همدستی خواهر و مادر فوت شده‌شان، ۱۱ سال قبل پدرشان را در مشهد به قتل رسانده‌اند.
به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، هشتم آبان امسال مرد ۲۵ ساله‌ای به کلانتری فرجام رفت و مدعی شد که ۱۱ سال پیش پدرشان را با همدستی مادرش که فوت شده و یکی از خواهرانش کشته است و به خاطر عذاب وجدان خود را تسلیم می‌کند.
متهم بازداشت شد و همزمان با تشکیل پرونده‌ای در شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران، سپهر ۲۵ ساله نزد بازپرس ساسان غلامی مورد تحقیقات قرار گرفت و گفت: زمانی که جنایت رخ داد، نوجوان بودم و همراه خانواده‌ام در مشهد زندگی می‌کردیم. یکی از روزهای پاییز ۱۱ سال پیش تازه از مدرسه به خانه آمده بودم که دوباره والدینم با هم درگیر شده و دعوایشان شد. پدرم پارچه‌ای را برداشت و می‌خواست مادرم را خفه کند که هلش داد و کف اتاق افتاد. بعد من و خواهرم به حمایت مادرم پارچه را برداشته و دور گردنش انداختیم و خفه‌اش کردیم که فوت شد. پدرم پیش از این خودکشی نافرجام داشت، با صحنه سازی قتلش را خودکشی جا زدیم. چندسال پیش مادرمان فوت کرد، اما عذاب وجدان با من بود که آخر تسلیم شدم. خواهر پرستارم را هم بازداشت کنید او همدستم است.
خواهر متهم که پرستار اتاق عمل یکی از بیمارستان‌های تهران بود نیز شناسایی و مورد تحقیقات پلیس تهران قرار گرفت و مشخص شد، سپهر به عناوین مختلف با اعضای خانواده اختلاف داشته و آنها را به دردسر انداخته است. در تحقیقات بعدی و با توجه به مدارک پزشکی که این دختر جوان به پلیس ارائه داد معلوم شد پدر آنها سال ۸۷ بعد از آن‌که سکته کرده و چند روز در بیمارستان بوده فوت کرده و مادرشان نیز دو سال بعد از او براثر بیماری فوت شده است.
همچنین ماموران به استعلام از پلیس جنایی مشهد درباره جنایت پرداختند که معلوم شد در زمانی که سپهر .متهم جوان. می‌گوید قتلی رخ نداده و گفته‌های این جوان دروغ است.

متهم پرونده دیروز. یکشنبه. به شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شد و در جریان تحقیقات قضایی گفت: خواهر پرستارم، سال‌ها قبل گوشی تلفن همراهم و سیمکارت کد یک را که اکنون قیمت بالایی دارد از من گرفت و پس نداد. من هم برای انتقام‌گیری از او، به دروغ گفتم که پدرم را کشته‌ایم تا با این سناریوی ساختگی خواهرم را به دردسر بیندازم.

نمی‌دانستم مجازاتم قصاص است

فقط به انتقام فکر می‌کرد و نمی‌دانست این انتقام خودش را بیشتر به دردسر می‌اندازد و امکان دارد به قیمت جانش تمام شود. در حالی که دستبند دستانش را به هم گره زده است، کنار راهروی دادسرا نشسته و به روزهایی فکر می‌کند که به خاطر یک دروغ در بازداشتگاه سر کرد.

درس خوانده‌ای؟

یک ترم مانده بود که لیسانس رشته مهندسی نرم‌افزار بگیرم اما به‌خاطر مشکلات مالی از تحصیل بازماندم.

چرا با خواهرت اختلاف داشتی؟

با پس‌اندازم تلفن همراهی خریدم و سندش را به نام خواهرم زدم. او تلفن را از من گرفت و دیگر بازنگرداند. بعد از فوت پدر و مادرم، رفتارش با من تحقیرآمیز بود. برای این‌که از او انتقام بگیرم این دروغ را گفتم تا آبرویش در محل کارش برود و اخراج شود.

چه شد واقعیت را گفتی؟

وقتی فهمیدم مجازات قتل قصاص است و امکان دارد به‌خاطر این دروغ پای چوبه دار بروم، واقعیت را گفتم.

ربودن دختر ۳ ساله با وعده اقامت خارج از کشور

فاطمه‌شیخ‌علیزاده
حوادث

زن جوان که دوری دختر سه ساله‌اش او را آزار می‌داد، با وعده سفر به ترکیه دو پسر نوجوان را اغفال کرد تا دخترش را از شوهرش ربوده و به او تحویل دهند.
به گزارش خبرنگار جام‌جم، اواخر تابستان ۹۷ بود که پدر پریماه سه ساله ناگهان متوجه شد فرزندش را از کنار او در یک پارک در پیشوای ورامین ربوده‌اند. پدر پریماه خود را به ماموران پلیس رساند و در اولین اظهاراتش گفت:«هر روز در همین ساعت فرزندم را به این پارک می‌آورم. امروز فقط لحظه‌ای از او غافل شدم و رویم را برگرداندم و دیدم دخترم در پارک نیست.»
رسیدگی به موضوع در دستور کار پلیس قرار گرفت اما هنوز ساعتی از ناپدید شدن دختر بچه نگذشته بود که یک راننده آژانس با پلیس تماس گرفت و گفت:«دقایقی قبل دو نوجوان سوار ماشین من شدند و یک کودک سه ساله هم همراه آنهاست که به‌شدت بی‌تابی می‌کند. من به آنها شک دارم چون از حرف‌هایشان متوجه شدم با بچه نسبتی ندارند. از طرفی زمانی که داشتند سوار ماشین می‌شدند چند کودک خردسال در نزدیکی یک پارک با اشاره به بچه‌ای که همراه این دو نوجوان است، گفتند پریماه را کجا می‌برید اما آنها اعتنایی نکردند و از من خواستند سریع از محل دور شوم.»
با اطلاعاتی که راننده آژانس در اختیار ماموران قرار داد، دو نوجوان دستگیر شدند و به ربودن کودک اعتراف کردند. کودک خردسال به آغوش پدرش بازگشت و مشخص شد متهمان از سوی مادر پریماه مامور به ربودن او شده بودند. بنا بر این مادر پریماه به اتهام معاونت در آدم‌ربایی دستگیر شد.
در ادامه پدر پریماه با شکایت از همسرش گفت:«همسرم مدتی است که من و فرزندم را ترک کرده است. به او گفته بودم اگر بخواهد طلاق بگیرد، باید حضانت پریماه را به من بدهد. او هم می‌خواست با این نقشه دخترمان را نزد خودش ببرد.»
زن جوان هم در این باره مدعی شد:«مدتی قبل به دلیل اختلاف با همسرم از خانه بیرون آمدم. همسرم اجازه نمی‌داد من پریماه را ببینم و بی‌تاب او بودم. برای همین از دو نوجوان هم‌محلی‌مان خواستم که کمکم کنند تا پریماه را پس بگیرم، اما نمی‌دانستم این کار آدم‌ربایی است. چون پریماه فرزندم بود.»
متهمان روز گذشته در شعبه هفتم دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شدند. یکی از آنها که شایان نام دارد در دفاع از خود گفت:«مادر پریماه همسایه ما بود. یک روز به من گفت که از همسرش طلاق گرفته و شوهر سابقش اجازه نمی‌دهد دختر کوچکش را ببیند. از من خواست کمکش کنم تا پریماه را به دست او برسانم. من قبول نمی‌کردم. اما او بارها با من حرف زد و گفت اگر کمکش کنم، کمک می‌کند برای ادامه تحصیل و کار به ترکیه بروم. به من می‌گفت کسی دستش به تو نمی‌رسد و در ترکیه زندگی خوبی برای خودت شروع می‌کنی. من اغفال شدم و از کرده خودم پشیمانم.»
دومین متهم که پسرخاله شایان است در دادگاه حاضر نشد، اما او در دفاعیات قبلی خود در مراحل بازجویی گفته بود:«من نمی‌دانستم که با این کار متهم به آدم ربایی می‌شوم. مادر کودک می‌گفت پریماه بچه من است و اگر کسی از شما چیزی پرسید بگویید با اجازه مادرش او را برده‌ایم. آن زن به ما وعده سفر به ترکیه داده بود و برای همین وسوسه شدم.»
مادر کودک دو ساله هم به‌دلیل این‌که خانه‌اش مشخص نیست، به دادگاه احضار نشده بود.
قضات دادگاه ختم جلسه دادرسی را اعلام و رای پرونده به‌زودی صادر می‌شود.

تلنگر

سرقت مسلحانه از جواهرفروشی

یک مغازه جواهرفروشی در قم مورد دستبرد سارقان مسلح قرار گرفت.
به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، ساعت ۱۹ و ۳۰ دقیقه شامگاه شنبه یازدهم آبان امسال، در خیابان ۱۴متری امام حسین در منطقه نیروگاه قم، سه سارق مسلح وارد یک مغازه جواهرفروشی شدند. آنها با تهدید افراد حاضر در مغازه، طلا و جواهر سرقت کردند. دزدها بعد سوار موتورسیکلت شدند و پس از شلیک چند گلوله هوایی به قصد متفرق کردن مردم متواری شدند. پلیس درجست‌وجوی سارقان مسلح فراری است.

مرد بیمار، قربانی حمله همسایه به خودروی اورژانس

یک بیمار قلبی درتهران براثر پنچرشدن آمبولانس توسط همسایه جان باخت.
دکتر معتمدی، معاون عملیات اورژانس تهران در این باره به ایسنا گفت: تکنیسین‌های اورژانس در این حادثه در جریان مأموریت و احیای یک فرد مسن بودند. همراهان بیمار حین رسیدن تکنیسین‌های اورژانس، از اضطراب زیادی برخوردار بودند که با توجه به حساسیت موضوع، آمبولانس مقابل پارکینگ منزل همسایه مقابل، پارک شد. تکنیسین‌های اورژانس با توجه به انجام عملیات احیا، سوئیچ خودروی آمبولانس را به یکی از همراهان بیمار دادند و از وی خواستند با مراجعه به مقابل منزل، موضوع را به همسایه توضیح دهد که در این حین، همسایه ضمن فحاشی، با یک قمه به همراه بیمار و خودروی آمبولانس حمله‌ور شد و چهار لاستیک خودروی آمبولانس را پنچر کرد. طولانی شدن روند انتقال به دلیل اتفاقات به وجود آمده، در مرگ بیمار مؤثر بوده است. اورژانس تهران نیز با توجه به خسارات واردشده به خودروی آمبولانس، از آن شخص شکایت کرد. متهم فردای روز حادثه با قرار وثیقه آزاد شد.

محکمه

شوهر اسیدپاش پای میزمحاکمه

مرد جوان که بعد از جدا شدن از همسرش، به تصور ازدواج دوباره همسر سابقش روی او اسیدپاشیده بود به‌زودی در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شود.
به گزارش خبرنگار جام جم، آبان ماه سال گذشته بود که صدای فریادهای نرگس ۲۸ ساله، تمام کوچه را پر کرده بود. همه چیز در چند ثانیه اتفاق افتاد، اما از آن روز به بعد نرگس دیگر نه کوچه را دید و نه آفتاب را.
زن جوان خیلی سریع به بیمارستان منتقل شد. شدت سوختگی در صورت و لاله گوش و دست‌ها و قسمتی از بدن نرگس به‌شدت بالا بود، اما مهم‌ترین نگرانی در روزهای اول مربوط می‌شد به بینایی مصدوم. چند روز بعد از حادثه پزشکان از کمک به بینایی نرگس قطع امید کردند و حالا نزدیک به یک سال است که نرگس از هر دو چشم نابیناست. نرگس در همان لحظات اول بعد از حادثه در طرح شکایت خود به ماموران پلیس گفت: «هشت سال قبل با همسر سابقم ازدواج کرده بودم و یک پسر شش ساله دارم. سال‌های اول زندگی ما خوب بود، اما زمانی که همسرم اعتیاد پیدا کرد، دیگر ادامه زندگی برای من سخت شد و تصمیم گرفتم از او جدا شوم. چند وقتی که از جدایی ما گذشت، همسر سابقم با تصور ازدواج دوباره من، بارها به اسیدپاشی تهدیدم کرد، اما من جدی نگرفتم. روز حادثه وقتی از در خانه پدری‌ام بیرون آمدم، موتورسواری را دیدم که جلوی در خانه ایستاده بود. تا به خودم آمدم از داخل یک سطل بزرگ مایعی روی سر و صورتم ریخت و فرار کرد. هر چند او کلاه کاسکت بر سر داشت، اما من شک ندارم او همسر سابقم بود.»
ماموران اقدام به دستگیری متهم کردند و همسر سابق نرگس به اسیدپاشی اعتراف کرد. پرونده بعد از طی روال قانونی راهی دادگاه کیفری یک استان تهران شد و متهم به‌زودی در شعبه دهم محاکمه می‌شود.